

Applications of the Critical Analysis of Discourse in Urban Research

Mohammad Reza Tavangar (corresponding author)

PhD Candidate, Faculty of Architecture & Urban Planning, Tehran University of Art

Mitra Habibi, PhD

Assistant Professor, Faculty of Architecture & Urban Planning, Tehran University of Art

Among qualitative research methods, interpretive language-based methods can widely be used for understanding and explaining urban social dynamics and facilitate in-depth, critical looks into urban environments. Yet, planning scholars' applications of these types of qualitative methods has not been as widespread as those of quantitative methods. Despite the fundamental role of Critical Discourse Analysis (CDA) as a qualitative method in urban studies, there is a dearth of literature using this method. In response, the present study tries to demonstrate potential applications of the critical discourse analysis in urban studies by describing its process through an analysis of a case: the petition by Yazd Bazaar business people against Qiam Street reorganisation plans. To do this, and following a review of theories and main concepts of this method, Fairclough's analytic framework is recognised suitable for analysing phenomena and social orders, particularly the ways in which power is manifested in the use of language. The introduction of Fairclough's three-tier model in this paper is accompanied by the analysis of the production, distribution and consumption of the petition's text by shop owners, the description of the text itself, and the explanation of the social context of this communicative event. The results show that CDA can be beneficial in analysing a) power relations in urban planning and development processes, b) recognizing their structural ideologies and its socio-political consequences in cities and urban planning, c) understanding dominant, competing discourses in development processes, and d) understanding the transformation or reproduction of social and cultural structures.

Keywords: Critical analysis of discourse, Urban planning, Urban studies, Qualitative methods.

کاربرد تحلیل انتقادی گفتمان در پژوهش‌های شهری و شهرسازی^۱

محمد رضا توانگر^۲

میترا حبیبی^۳

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر تهران

دریافت: ۲۱ خرداد ۱۴۰۰

پذیرش: ۲۰ شهریور ۱۴۰۰
(صفحه ۱۰۴-۸۹)

کلیدواژگان: تحلیل انتقادی گفتمان، برنامه‌ریزی شهری، مطالعات شهری، روش‌های کیفی.

چکیده

از میان روش‌های پژوهش کیفی، روش‌های تفسیری زبان‌منا کاربرد وسیعی در فهم و تبیین سازوکارها و پویایی‌های اجتماعی شهر دارند و نگاه عمیق و انتقادی بر مسائل و مشکلات شهری را ممکن می‌کنند. با این همه، به‌کارگیری چنین روش‌هایی تاکنون از سوی محققان برنامه‌ریزی به اندازه روش‌های کمی مرسوم نشده است. تحلیل انتقادی گفتمان از جمله روش‌هایی است که گرچه می‌تواند در مطالعات شهری نقشی اساسی داشته باشد، اما تاکنون در پژوهش‌های اندکی به زبان فارسی از این روش بهره گرفته شده است. به این منظور در پژوهش حاضر کوشیده شده است تا کاربردهای بالقوه روش «تحلیل انتقادی گفتمان» در مطالعات شهری از طریق تشریح فرایند انجام آن به‌همراه تحلیل یک مورد پژوهشی با عنوان «طومار اعتراضی بازاریان یزد درباره شیوه اجرای طرح سامان‌دهی خیابان قیام» نشان داده شود. از این‌رو نگارندگان پس از بیان مبانی نظری و مفاهیم اصلی این روش، چارچوب تحلیلی فرکلاف را به‌منزله یکی از رویکردهای مناسب برای تحلیل پدیده‌ها و نظام‌های اجتماعی و به‌ویژه روابط قدرت متبلور در زبان تشریح کرده‌اند. معرفی مدل سه‌سطحی فرکلاف در این نوشتار با تحلیل فرایند تولید، توزیع، و مصرف متن طومار از سوی بازاریان یزد،

مقدمه

برنامه‌ریزی شهری فعالیتی جمعی و اجتماعی است^۴ و بنابراین کنشی ارتباطی و استوار بر زبان به حساب می‌آید.^۵ ماهیت اجتماعی، سیاسی و ارتباطی برنامه‌ریزی شهری نیازمند به‌کارگیری روش‌های پژوهش کیفی تفسیرگرا در بسیاری از جنبه‌های مطالعاتی آن است. چنین تصویری از برنامه‌ریزی در پرتو نظریه زبان‌شناسی انتقادی که زبان و کاربست زبان را همچون کنشی اجتماعی می‌انگارد،^۶ ضرورت



۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است با عنوان *تحلیل آثار روابط قدرت بر تأمین منفعت عمومی در فرایند اجرای طرح ساماندهی خیابان قیام یزد که با راهنمایی نویسنده دوم در تاریخ بهمن‌ماه سال ۱۴۰۰ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر تهران از آن دفاع شده است.*

۲. نویسنده مسئول؛ دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر تهران،

rezatavangar@gmail.com

4. habibi@art.ac.ir

۴. زهره عبدی دانشپور، در آمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری، ص ۱۳.

5. P. Healey, "Planning through debate: the communicative turn in planning theory", p. 154.

6. N. Fairclough, et al., "Critical Discourse Analysis", p. 357.

7. Critical Discourse Analysis (CDA)

۸. نک: مجتبی رفیع‌یان و آیدا کیانفر، «فهم فضاهای خاکستری: جایگاه قدرت در فرایند مناسبات سکونتگاه‌های غیررسمی»؛ بنفشه یادگارزاده و فرشاد نوربان، «تبیین نقش‌های مورد انتظار از سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی ایران مبتنی بر روش تحلیل گفتمان انتقادی»؛ S. Davoudi, et al, "Reinventing Planning and Planners: Ideological Decontestations and Rhetorical Appeals"; A. Hastings, "Connecting Linguistic Structures and Social Practices: a Discursive Approach to Social Policy Analysis"; Idem, "Analysing Power Relations in Partnerships: Is There a Role for Discourse Analysis?"; K. Jacobs, "Waterfront Redevelopment: a Critical Discourse Analysis of the Policy-making Process within the Chatham Maritime Project"; Idem, "Discourse Analysis and its Utility for Urban Policy Research"; G. Marston, "Metaphor, Morality and Myth: a Critical Discourse Analysis of Public Housing Policy in Queensland"; T. Sager, "Populists and Planners: We Are the People, Who Are You?"; P. Watt & K. Jacobs, "Discourses of Social Exclusion: an Analysis of Bringing Britain together: a National Strategy for Neighbourhood Renewal".

پرسش‌های تحقیق

۱. تحلیل انتقادی گفتمان به‌مثابه یک روش از مجموعه روش‌های کیفی پژوهش چه ویژگی‌ها و فرایندی دارد؟
۲. از روش تحلیل انتقادی گفتمان چگونه می‌توان در مطالعات شهری و برنامه‌ریزی شهری بهره گرفت؟

مواجهه گفتمانی و انتقادی به حرفه و دانش برنامه‌ریزی شهری را آشکار می‌کند. تحلیل انتقادی گفتمان^۷ روشی برای تحلیل کیفی داده‌های زبانی است. با اینکه نظریه و روش تحلیل گفتمان در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران بسیاری در رشته‌های گوناگون بوده، اما ناآشنایی یا اشراف ناکافی باعث شده تا محققان حوزه مطالعات شهری و برنامه‌ریزی شهری در بهره‌گیری از آن محتاط باشند. با وجود این می‌توان پژوهش‌های متعددی را در حوزه مطالعات شهری و برنامه‌ریزی نشان داد که در آن‌ها از این روش بهره گرفته شده است.^۸ این روش می‌تواند کاربردی گسترده و عمیق در تحلیل جنبه‌های مبهم توسعه شهری داشته باشد. مناسبات قدرت در شهرها و فرایندهای توسعه، ایدئولوژی‌های ساختاربخش، نظام‌های معنایی مسلط در توسعه، گفتمان‌های غالب، و تحولات یا بازتولیدهای اجتماعی شهری تنها نمونه‌هایی از عرصه‌های ممکن پژوهش در حوزه شهری با به‌کارگیری روش تحلیل انتقادی گفتمان هستند. با تحلیل انتقادی گفتمان می‌توان نشان داد چگونه یک نظام معنایی در خدمت قدرت (ایدئولوژی)، که همچون عقل سلیم (درونی‌شده، طبیعی‌شده^۹) قلمداد می‌شود، زمینه را برای شیوه‌هایی خاص از سخن گفتن (گفتمان) درباره برنامه‌ریزی و توسعه شهری فراهم می‌کند و در حالی اقدامات و سیاست‌های خاصی را مشروعیت می‌بخشد و توجیه می‌کند که گزینه‌های دیگر ممکن را تصورناپذیر کرده است.^{۱۰}

تحلیل انتقادی گفتمان را در پژوهش‌های برنامه‌ریزی شهری به‌ویژه در موقعیت‌هایی می‌توان به کار گرفت که شناخت و تبیین روابط ناپیدای قدرت (که خارج از پارادایم تصمیم‌سازی قرار می‌گیرند)، در دستور کار باشد. واکاوی و تحلیل روابط و ساختارهای نابرابر اجتماعی، به‌ویژه جنبه‌های گفتمانی آن، از مهم‌ترین کاربردهای نظریه و روش تحلیل انتقادی گفتمان در برنامه‌ریزی شهری است. با بهره‌گیری از این روش می‌توان تبلورهای زبانی قدرت در گرایش‌های ذهنی عاملیت‌های درگیر در طرح‌های شهری، خواسته‌ها، و منافع ذهنی عموم را، که در رابطه تنگاتنگ با نظام‌های دانش و معنا هستند، با نگاهی انتقادی بازفهمید. همچنین از طریق تحلیل انتقادی گفتمان می‌توان به هویت‌های اجتماعی و موقعیت‌های سوژگی عاملیت‌ها در رخدادها ارتباطی و گفتمانی برنامه‌ریزی شهری پی برد و قرائتی انتقادی از آن عرضه کرد. از آنجاکه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مطالعات شهری و برنامه‌ریزی با بهره‌گیری

می‌شد. در چنین بستری، توجه به فرایندهای تولید و مصرف متن و ارتباط آن‌ها با ساختارهای اجتماعی رویکرد جدیدی در زبان‌شناسی محسوب می‌شد. با وجود این، بسط نظری زبان‌شناسی انتقادی تحلیل انتقادی گفتمان را به روشی جاافتاده برای تحلیل‌های زبانی در دهه ۱۹۹۰ بدل کرد.

برای فهم چستی روش تحلیل انتقادی گفتمان ابتدا باید به رویکرد آن به زبان اشاره کرد؛ چراکه تمرکز این روش بر شیوه کاربرد زبان و اتکا بر نظریات گوناگون زبان‌شناسی و گفتمان، آن را یکی از مهم‌ترین روش‌های کیفی زبان‌منا در پژوهش قلمداد کرده است. زبان در تحلیل انتقادی گفتمان همچون منبعی از قدرت به‌شمار می‌رود که نه تنها فرآورده تعامل اجتماعی و سیاسی است، بلکه عامل و نیروی مهم شکل‌دهی دگرباره به کنش‌های اجتماعی نیز به‌شمار می‌آید. اندیشمندان در تحلیل انتقادی گفتمان استفاده از زبان را همچون کنشی اجتماعی تلقی می‌کنند^{۱۲} و آثاری ساختاربخش برای زبان قائل هستند. به بیان بهتر تحلیل انتقادی گفتمان روشی است برای تفسیر، توصیف، تبیین، و توضیح شیوه‌هایی که زبان از طریق آن‌ها نابرابری‌های اجتماعی را می‌سازد، تثبیت می‌کند، و مشروعیت می‌بخشد^{۱۳}. به‌طور مثال وقتی ارزش‌ها و هنجارها از طریق گفتمان‌های رسانه‌هایی با مدیریت گروه‌های در زندگی هرروزه مردم بازتولید می‌شوند و همین گفتمان‌ها به بازتولید فرهنگی روابط نابرابر قدرت می‌انجامد، با این روش می‌توان تحلیلی انتقادی از این فرایندها عرضه کرد. تحلیل انتقادی گفتمان بر نقش گفتمان در ایجاد و تحکیم مناسبات نابرابر قدرت تمرکز دارد^{۱۴} و طی آن با پرداختن به گفتمان‌های قدرت، بی‌عدالتی، و نابرابری کوشش می‌شود روابط ضمنی و نهفته قدرت آشکار گردد.

در تحلیل انتقادی گفتمان، گفتمان‌های غالب و مسلط مورد پرسش قرار می‌گیرند و با آن‌ها همچون مسئله برخورد می‌شود. این امر از طریق تحلیل آن‌ها، افشای تناقضات

از روش تحلیل انتقادی گفتمان چندان پرشمار نیستند، در این پژوهش تلاش شده با شناساندن این روش از طریق معرفی فرایند همراه با مثال‌های کاربردی، شیوه استفاده از تحلیل انتقادی گفتمان، به‌ویژه در واکاوی روابط اجتماعی، مناسبات قدرت، ایدئولوژی‌ها، و منافع در رخدادهای برنامه‌ریزی شهری نشان داده شود.

بر این اساس نخست بنیان‌های نظری روش تحلیل انتقادی گفتمان و موضع شناخت‌شناسی آن بررسی شده است. در گام بعد پس از شرح مفاهیم پایه این روش و رویکردهای گوناگون نسبت به شیوه انجام آن، رویکرد فرکلاف برای تحلیل انتقادی گفتمان معرفی شده است. در این معرفی، نمونه‌هایی از کاربرست عملیاتی آن نیز آورده شده تا زمینه آشنایی عمیق‌تر با تحلیل انتقادی گفتمان فراهم شود. درنهایت این نوشتار با جمع‌بندی و بیان پیشنهاداتی برای کاربرست بهتر این روش در مطالعات شهری پایان یافته است. در پژوهش حاضر پاسخ دو پرسش واکاوی می‌شود: نخست، تحلیل انتقادی گفتمان به‌منزله یک روش از مجموعه روش‌های کیفی پژوهش چه ویژگی‌ها و فرایندی دارد؟ و دوم، از روش تحلیل انتقادی گفتمان چگونه می‌توان در مطالعات برنامه‌ریزی شهری بهره گرفت؟

۱. تحلیل انتقادی گفتمان چیست؟

ریشه و سابقه تحلیل انتقادی گفتمان به زبان‌شناسی انتقادی بازمی‌گردد؛ رویکردی به زبان‌شناسی که در پی آشکار کردن مناسبات نهان قدرت و پویایی‌های ایدئولوژیک نهفته در متن‌های زبانی است.^{۱۱} زبان‌شناسی انتقادی در دهه ۱۹۷۰ به‌منزله گونه‌ای از تحلیل متن و گفتمان طرح شد که نقش زبان در ساخت روابط قدرت را به رسمیت می‌شناخت. پیش از آن، مطالعات زبان‌شناسی عمدتاً بر جنبه‌های شکلی زبان و توصیف و تبیین تحولات زبان و ساختار تعاملات ارتباطی متمرکز بودند و توجه اندکی به قدرت و سلسله‌مراتب اجتماعی

9. Naturalized

10. J.M. Zanotto, "The Role of Discourses in Enacting Neoliberal Urbanism: Understanding the Relationship between Ideology and Discourse in Planning", p. 104.

11. R. Wodak, "What CDA is about—a summary of Its History, Important Concepts and Its Developments", pp. 1-2.

12. Fairclough, et al, *ibid*, p. 359.

۱۳. نک:

R. Wodak & M. Meyer, *Methods of Critical Discourse Analysis*.

14. Fairclough, et al, *ibid*, pp. 368-369.

استفاده می‌کنند.^{۲۰} تحلیل انتقادی گفتمان بر مجموعه‌ای از فنون برای مطالعهٔ زبان به‌منزلهٔ کنشی اجتماعی و فرهنگی اتکا دارد و بر مسائل اجتماعی متمرکز است.^{۲۱} به باور فرکلاف تحلیل انتقادی گفتمان رویکردی است که در گفت‌و شنود با دیگر نظریات و روش‌های اجتماعی است و پژوهشگران باید آن‌ها را با یکدیگر به کار گیرند. از آنجاکه مطالعات متمرکز بر روابط میان قدرت، ایدئولوژی، و گفتمان پیچیده و چندوجهی هستند، تحلیل انتقادی گفتمان باید نسبت به مطالعات فرارشته‌ای با روی گشاده باشد.^{۲۲}

دربارهٔ انتقادی بودن این روش تحلیلی باید گفت که در این روش و سایر رویکردهای انتقادی تلاش می‌کنند دانشی منتقل شود که مردم را برای رها شدن از سلطه و انقیاد از طریق تفکر و خودآگاهی توانا کند.^{۲۳} کار علوم انتقادی به‌طور کلی و در هر عرصه‌ای، به‌جای تمرکز بر مسائل صرفاً آکادمیک و یا نظری و اعلام بی‌طرفی، از مسائل اجتماعی جاری آغاز می‌شود و از این‌رو بر آن‌هایی می‌نگرد که بیشترین آسیب را می‌بینند. بدین معنا دیدگاه انتقادی بر تحلیل انتقادی آن‌هایی که در قدرت هستند و مسئولیت‌ها را بر عهده دارند و امکان حل چنین مسائلی برایشان فراهم است متمرکز می‌شود.^{۲۴} از همین روست که مسائل اجتماعی و تمایل ایجاد تحول فرهنگی و اجتماعی از طریق فهم انتقادی انگیزه و هدف تحلیلگران انتقادی گفتمان به حساب می‌آید.^{۲۵}

۲. مفهوم گفتمان

گفتمان به‌طور ضمنی بر ابعادی از متن دلالت دارد که همواره به‌طور سنتی با واژه‌هایی چون محتوا، معنای مفهومی، موضوع، و یا جستارمایه^{۲۶} دربارهٔ آن‌ها گفتگو شده است.^{۲۷} فرکلاف، از یک‌سو، گفتمان را در معنای انتزاعی خود «کاربستی از زبان که همچون کنش اجتماعی فهمیده و تفسیر شود» دانسته و از سوی دیگر، آن را «شیوه‌ای برای بیان تجربه‌ها از دیدگاهی

بیان‌نشدهٔ گفتمان‌ها، و آنچه می‌توان در قالب آن‌ها گفت و انجام داد صورت می‌گیرد. در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان، ایدئولوژی‌ها و روابطی از قدرت تحلیل می‌شوند که با کاربری ابزاری به نام زبان به طور عام و گفتمان به طور خاص بیان و بازنمایی شده‌اند.^{۱۵} از همین رو، امروزه تحلیل انتقادی گفتمان همچنان که اشاره به یک مبنای نظری بسیط دارد، به روشی رایج در علوم اجتماعی و سیاسی نیز بدل شده که بر داده‌های زبانی برای فهم ساخت‌های جامعه تکیه کرده است.

این روش پیش و بیش از همه بر دیدگاه‌های فوکو^{۱۶} استوار است که برای آشکار کردن ویژگی‌های بازنمایی گفتمان، به‌منزلهٔ پیش‌رانی برای اعمال قدرت از طریق ساخت کنش‌های انضباطی، استفاده می‌شود.^{۱۷} از نظر فوکو قدرت به شبکهٔ مولدی متعلق است که زبان در آن نقشی کلیدی دارد. به باور او روابط قدرتی که انسان اجتماعی را می‌سازند بدون تولید و کارکرد گفتمان استقرار نمی‌یابند و اجرا نمی‌شوند. فوکو عقیده دارد که گفتمان در واقع برگردان سلطه به زبان است. بر این اساس فوکو تحلیل گفتمان را همچون «به‌نمایش گذاشتن گفتمان به منزلهٔ نبرد، مبارزه، مکان و وسیله رویارویی، سلاح قدرت، سلاح کنترل، و سلاح منقادسازی» ترسیم می‌کند.

تحلیل انتقادی گفتمان اگرچه به استفاده از منطق استقرایی در پژوهش می‌انجامد، اما در بسیاری موارد می‌توان آن را مبتنی بر منطق استفهامی^{۱۸} به شیوه‌ای بهتر به کار گرفت؛ چراکه چنین تحلیلی میان تمرکز بر ساختار و کنش در نوسان است.^{۱۹} رویه‌های تحلیلی در روش تحلیل انتقادی گفتمان ماهیتاً تفسیری و تأویلی هستند و تولید معنا می‌کنند. به‌طور کلی عمدهٔ رویکردهای تحلیل انتقادی گفتمان تمرکزی مسئله‌محور دارند، داده‌های نشانه‌شناختی را تحلیل می‌کنند، روابط قدرت را تا حدی گفتمانی می‌دانند، کنش‌های زبانی را خنثی تلقی نمی‌کنند، و تحلیل را به‌صورت نظام‌مند، تفسیری، تبیینی، و توصیفی انجام می‌دهند، و از روش‌های میان‌رشته‌ای و ترکیبی

۱۵. ارنستو لاکلا و دیگران، *تحلیل گفتمان سیاسی: امر سیاسی به مثابه یک برساخت گفتمانی*، ص ۳۱-۵۷.

۱۶. نک: میشل فوکو، *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*.

۱۷. نک: باری هیندس، *گفتارهای قدرت از هابز تا فوکو*.

18. Abductive

۱۹. نک: محمد خندان و دیگران، «لایه‌های روش‌شناختی منطق استفهامی و کاربرد آن در تحلیل نظام‌های رده‌بندی دانش»؛

Fairclough, "Critical Discourse Analysis as a Method in Social Scientific Research".

۲۰. نک:

T.A. Van Dijk, "Principles of Critical Discourse Analysis".

21. Idem, "The Study of Discourse: An Introduction", pp. xix-xlii.

22. M.W. Jorgensen & L.J. Phillips, *Discourse Analysis as Theory and Method*, p. 86.

23. Fairclough, et al, *ibid*, p. 361.

24. Wodak, *ibid*, p. 9.

25. Van Dijk, "Principles of Critical Discourse Analysis", pp. 249-283.

26. Subject matter

27. Fairclough, *Discourse and Social Change*, p. 128.

28. Idem, *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*, pp. 95-96.

29. S. Jäger, "Discourse and Knowledge: Theoretical and Methodological Aspects of a Critical Discourse and Dispositive Analysis", p. 37.

۳۰. لاکلا و دیگران، همان، ص ۳۱-۵۷.

نک: ۳۱.

R. Wodak & M. Meyer, *ibid.*

نک: ۳۲.

E.H. Tenorio, "Critical Discourse Analysis, an Overview".

نک: ۳۳.

Fairclough, *Discourse and Social Change*.

نک: ۳۴.

Van Dijk, *Discourse as Social Interaction*.

35. M. Meyer, "Between Theory, Method, and Politics: Positioning of the Approaches to CDA", p. 14.

نک: ۳۶.

R. Wodak & M. Meyer, *ibid.*

۳۷. نک: فردوس آقاگل‌زاده و مریم‌سادات غیاثیان، «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی؛ قجری و نظری، کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی».

38. J. Blommaert & C. Bulcaen, "Critical Discourse Analysis", p. 449.

39. discourse as social practice

شناختی - اجتماعی بنا کرد و بر تعامل میان شناخت، گفتمان و جامعه متمرکز شد.^{۳۵} ووداک با رویکرد تاریخی خود به گفتمان کوشید تا مواردی را که زبان توسط قدرتمندان برای حفظ سلطه استفاده شده را توصیف کند.^{۳۶} با وجود تعدد رویکردها نمی‌توان فرایند مشخص و واحدی برای تحلیل انتقادی گفتمان متصور شد.^{۳۷} در این میان رویکرد فرکلاف از چند جهت می‌تواند در مطالعات شهری از سایر رویکردها مفیدتر باشد. این رویکرد بیش از دیگران بر پدیده‌های اجتماعی خاص مانند نزاع و مقاومت و زیرنظام‌های اجتماعی‌ای چون سیاست متمرکز است و می‌تواند بر روابط ساختاری مبهم سلطه، تبعیض، قدرت، و کنترل، چنان‌که در زبان پدیدار شده است، نور بتاباند.^{۳۸} بر این اساس در نوشتار حاضر کوشش شده تا چارچوب روش فرکلاف برای تحلیل انتقادی گفتمان تشریح شود.

۴. چارچوب تحلیلی فرکلاف

فرکلاف مدل مفیدی برای تحلیل «گفتمان به‌مثابه کنش اجتماعی»^{۳۹} عرضه کرده است. چارچوب پیشنهادی او شامل مجموعه وسیعی از مفاهیم درهم‌تنیده در قالب یک مدل سه‌بعدی است. فرکلاف به گفتمان همچون کنشی اجتماعی می‌نگرد که هم دانش، هویت‌ها، و روابط اجتماعی نظیر مناسبات قدرت را تولید و تغییر می‌دهد و هم به‌طور هم‌زمان توسط دیگر کنش‌ها و ساخت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. او برای عرضه تحلیل انتقادی از گفتمان، متن را در سه سطح تحلیل و توصیف و تبیین می‌کند. به این منظور او، از یک سو، متن را در مقام زبانی و دستوری توصیف می‌کند و از سوی دیگر، فرایندهای تولید، توزیع، و مصرف آن را با عنوان کنش‌های گفتمانی تحلیل می‌کند. فرکلاف افزون بر این دو سطح از تحلیل، درنهایت رخداد ارتباطی‌ای را که متن از درون آن برآمده به‌مثابه کنشی اجتماعی تبیین می‌کند. از این طریق او موفق می‌شود که سه سنت تحلیل متنی زبان‌شناسانه،

خاص « معرفی کرده است»^{۲۸}. به بیان دیگر گفتمان بازنمایی جنبه‌هایی از جهان مادی، اجتماعی، و روان‌شناختی به شیوه‌ای خاص است. گفتمان برداشتی از گفتار است که به‌صورت نهادی یکپارچه شده است، تا حدی که کنش را تعیین و یکپارچه می‌کند و بنابراین پیشاپیش به اعمال قدرت می‌پردازد. درواقع گفتمان جریان دانش است که اعمال فردی و جمعی شکل‌دهنده جامعه را تعیین و اعمال قدرت می‌کند.^{۲۹}

در این چارچوب، گفتمان منظومه‌ای معنایی- نشانه‌ای (زبان‌شناختی و غیرزبان‌شناختی) است که استعدادها و امکان‌هایی چنین دارد: تولید معنا و اندیشه برای کسب و تثبیت و یا تلطیف قدرت؛ بنا کردن سلطه بر رضایت، اجماع، اقناع و عقل سلیم به جای زور؛ در اختیار گرفتن ذهن و اندیشه عاملان اجتماعی؛ مسلح شدن به «قدرت پشت گفتمان» و بهره گرفتن از آن؛ هویت‌بخشی به فرد و نیروهای اجتماعی با سامان دادن آن‌ها در درون یک صورت‌بندی هژمونیک.^{۳۰}

۳. رویکردها و فرایندها

برای انجام تحلیل انتقادی گفتمان فرایندهای متعددی پیشنهاد شده که هر یک ریشه در رویکردی خاص به زبان‌شناسی انتقادی و مفهوم گفتمان دارند.^{۳۱} این روش در همه اشکال خود به نظریه وابسته است و بنابر نظریات متعدد، فرایند و شیوه‌های مختلفی برای انجام این روش عرضه شده است. به‌طور نمونه فرکلاف چارچوب نظری خود را بر ایدئولوژی و قدرت بنا کرده و سلطه و مقاومت، کالایی و ابزاری شدن گفتمان را محور تحلیل خود قرار داده است. او بازتاب معنایی کشمکش‌های اجتماعی در گفتمان را برجسته می‌کند و بر فرایندها، ساختارها، کنش‌ها، و رخداد‌های اجتماعی توجه دارد.^{۳۲} او چارچوبی سه‌بعدی برای تحلیل انتقادی گفتمان معرفی کرده است که فرض را بر وجود یک رابطهٔ هرم‌نوتیک میان گفتمان و واقعیت اجتماعی می‌گذارد.^{۳۳} فان دیک^{۳۴} روش خود را بر نظریات

40. Jorgensen & Phillips, *ibid*, p. 65.

41. Discursive Event (Communicative event)

42. discursive practice

43. intertextual chains

44. Order of Discourse

ت ۱. الگوی فرکلاف برای تحلیل انتقادی گفتمان، مأخذ: N. Fairclough, *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*, p. 133.

45. discourse type

تحلیل اجتماعی خرد، و کلان را در مدل خود یکپارچه کند. برای فرکلاف تحلیل متن به تنهایی برای تحلیل گفتمان کافی نیست؛ زیرا به باور او چنین تحلیلی رابطه میان متن با فرایندها و ساختارهای اجتماعی- فرهنگی را به خوبی آشکار نمی کند.^{۴۰}

۱.۴. مفاهیم اصلی در چارچوب تحلیلی فرکلاف

پیش از استفاده از تحلیل انتقادی گفتمان، دانستن چند مفهوم کلیدی اهمیتی اساسی دارد. این مفاهیم به طور مشترک در رویکردهای مختلف این روش استفاده می شوند:

۱. **گفتمان**: تلقی ای از کاربرد زبان به مثابه کنش اجتماعی (به منزله مفهومی انتزاعی)؛ شیوه بیان تجربیات یا بازنمایی معانی از نظرگاه یا چشم اندازی مشخص.

۲. **رخداد گفتمانی یا ارتباطی**^{۴۱}: هرگونه کاربست زبان که به مثابه متن، کنش گفتمانی، و کنش اجتماعی تحلیل شود و یا

کلیت رخدادی که در آن زبان به کار گرفته شده است. ۳. **متن**: زبان نوشتاری یا گفتاری تولید شده در رخداد گفتمانی. ۴. **کنش گفتمانی**^{۴۲}: فرایند تولید، توزیع، و مصرف متن و همه فعالیت های مترتب بر آن.

۵. **میان گفتمانی**: شکل گیری و ساختاریابی متن توسط گفتمان ها و ژانرهای گوناگون؛ ترکیب و درآمیختگی گفتمان ها و ژانرهای مختلف با هم و تشکیل متن مورد تحلیل.

۶. **زنجیره های میان متنی**^{۴۳}: مجموعه ای از انواع متن ها که از طریق تغییر یافتن به یکدیگر به هم متصل هستند و هر یک به شیوه ای قابل پیش بینی به یک یا چند متن دیگر تبدیل شده اند.

۷. **ژانر**: هرگونه کاربرد زبان که متصل به یک کنش اجتماعی مشخص است؛ هرگونه کاربرد خاص از زبان که در بخشی از یک کنش اجتماعی مشخص حضور و در ساخت آن مشارکت داشته است. ژانر اخبار، ژانر مصاحبه، و ژانر تبلیغات نمونه هایی از این مفهوم هستند.

۸. **نظم گفتمان**^{۴۴}: کلیت همه کنش های گفتمانی یک نهاد یا میدان اجتماعی و روابط میان آن ها؛ پیکربندی همه «گونه های گفتمانی»^{۴۵} که درون یک سازمان اجتماعی یا میدان اجتماعی به کار رفته است. گونه گفتمانی شامل گفتمان ها و ژانرها و سایر عناصر نظم گفتمان است. درون نظم گفتمان کنش های گفتمانی مشخصی وجود دارند که از طریق آن ها متن و گفتار تولید، مصرف، و تفسیر می شود. در هر کنش گفتمانی (تولید و مصرف متن) گونه های گفتمانی به شیوه های متفاوت و ویژه ای به کار گرفته می شوند.^{۴۶}

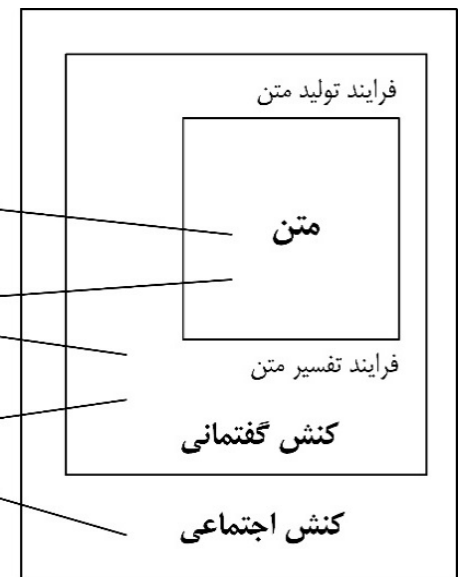
در چارچوب تحلیلی فرکلاف، به رخداد ارتباطی هم زمان از سه جنبه نگریسته می شود. نخست به منزله متن (گفتار، نوشته، تصویر، یا ترکیبی از این ها)، دوم به مثابه کنشی گفتمانی که شامل فرایند تولید، توزیع، و مصرف متن می شود، و سوم به منزله کنشی اجتماعی است. چارچوب فرکلاف در مدلی سه بعدی در «ت ۱» نشان داده شده است. در این چارچوب

توصیف: تحلیل متن

تفسیر: تحلیل فرایندها

تبیین: تحلیل اجتماعی

ابعاد تحلیل گفتمان



ابعاد گفتمان

تحلیلی بر عناصر زبانی متن، فرایندهای تولید، توزیع، و مصرف متن و کنش اجتماعی گسترده‌ای که رخداد ارتباطی به آن تعلق دارد، تأکید می‌شود.

۲.۴. فرایند تحلیل انتقادی گفتمان در چارچوب فرکلاف

اگرچه فرایندها و رویه‌های متعددی برای تحلیل انتقادی گفتمان وجود دارد و هر پژوهش با توجه به اقتضانات خاص و بر مبنای مسئله و پرسش اصلی خود پیش می‌رود، اما به‌طور کلی می‌توان رویکرد فرکلاف به این نظریه و روش را در گام‌های زیر جای داد^{۴۷}. باید توجه داشت که فرکلاف در موقعیت‌های گوناگون فرایندها و ابزارهای متعددی را برای تحلیل انتقادی گفتمان به کار برده است، ولی چارچوب و شیوه‌ای را که در اینجا معرفی می‌شود به‌طور گسترده‌تری استفاده کرده است^{۴۸}. به هر ترتیب همان‌طور که یورگنسن و فلیپس^{۴۹} اشاره کرده‌اند، چارچوبی، که در اینجا معرفی می‌شود، رایج‌ترین و همه‌شمول‌ترین روش برای تحلیل انتقادی گفتمان با تأکید بر تحولات اجتماعی و فرهنگی است. هسته اصلی این فرایند مرحله تحلیل است که عمده توان پرسشگری در آن به کار گرفته می‌شود. گام‌های پیش از تحلیل را می‌توان مقدمات پژوهش به حساب آورد.

الف. انتخاب مسئله پژوهش: چنان‌که از عنوان تحلیل انتقادی گفتمان برمی‌آید، این روش تحلیل گفتمان در تولید پژوهش‌های اجتماعی «انتقادی» به کار می‌آید؛ پژوهش‌هایی که به اصلاح بی‌عدالتی و نابرابری در جامعه کمک کنند. در واقع هدف رویکرد انتقادی در پژوهش اجتماعی آشکارسازی بازنمون نادرست^{۵۰} یا ناسازگاری واقعیت با برداشت مردم از آن واقعیت است که می‌توانند به‌صورتی ایدئولوژیک عمل کنند. بنابراین در انتخاب مسئله پژوهش باید بر موضوعاتی متمرکز شد که رویکرد انتقادی پژوهش را به‌خوبی آشکار کند^{۵۱}. به‌طور نمونه در پژوهش پایه این نوشتار مسئله پژوهش بر رابطه

دوسویه روابط قدرت رادیکال^{۵۲} و خواسته‌ها و منافع عموم در فرایند اجرای طرح سامان‌دهی خیابان قیام یزد متمرکز شده است. بدین ترتیب کوشش شده تا جنبه‌های ایدئولوژیک زبان و رابطه آن با تمایلات و ترجیحات عاملیت‌های حاضر در یک طرح توسعه شهری مطالعه شود. از این‌رو سؤال پژوهش به‌طور خاص بر رابطه دیالکتیک میان کنش‌های گفتمانی و کنش‌های اجتماعی متمرکز می‌شود.

ب. تشکیل پیکره داده‌ها: پس از تدقیق سؤال پژوهش باید پیکره و مجموعه داده‌ها^{۵۳} را تشکیل داد. مجموعه همه نمونه‌های گفتمانی منتخب و داده‌های جمع‌آوری شده برای تحلیل که در یک طرح تحقیقاتی به کار پژوهشگر می‌آیند، پیکره نام دارد. اما داده‌هایی از پیکره که برای یک تحلیل خاص استفاده می‌شوند، مجموعه داده نامیده می‌شود^{۵۴}. در طرح‌های پژوهشی کوچک مانند رساله‌های دکتری، پیکره تنها اندکی از مجموعه داده‌ها گسترده‌تر است. انتخاب نمونه‌های گفتمانی پیکره و جمع‌آوری داده‌های لازم تکمیلی به چارچوب نظری و دستگاه فکری پژوهشگر وابسته است و ماهیت این داده‌ها به مسئله و پرسش پژوهش نیز بستگی دارد. تصمیم‌گیری درباره محتوا و ساختار پیکره تنها زمانی ممکن است که اطلاعات کافی از کلیت کنش گفتمانی موجود باشد. پیکره باید به‌خوبی نمایانگر گوناگونی کنش‌ها و تحولات آن‌ها در وضعیت‌های مختلف باشد. به‌طور نمونه در بسیاری از پژوهش‌ها اسناد سیاست‌گذاری کلان که به‌همراه بیانیه‌ها و چشم‌اندازهای کلان منتشر شده‌اند، به‌منزله متن مورد تحلیل انتخاب شده‌اند^{۵۵}. پس از آنکه نمونه‌های گفتمانی در قالب پیکره جمع‌آوری شدند، می‌توان با روش‌هایی به غنی‌سازی آن کمک کرد. انجام مصاحبه با مشارکت کنندگان نمونه‌های گفتمانی و کسب نظرات و قضاوت‌های افرادی، که رابطه‌ای برجسته با کنش اجتماعی دارند، می‌تواند به غنی‌تر شدن محتوای پیکره کمک کند. با وجود این باید در نظر داشت که پیکره مجموعه‌ای «باز» از نمونه‌های گفتمانی است که

46. Fairclough, *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*, pp. 95-96.

47. Fairclough, *ibid*.

48. *Ibid*, p. 88.

49. Jorgensen & Phillips, *ibid*, p. 89.

50. Misrepresentation

51. A. Bryman, *Social Research Methods*, pp. 536-538.

۵۲. درباره «برداشت رادیکال از قدرت» نک: استیون لوکس، قدرت: نگرشی رادیکال.

53. corpus

54. data set

55. V. Braun & V. Clarke, "Using Thematic Analysis in Psychology", p. 79.

۵۶. نک:

Hastings, "Connecting Linguistic Structures and Social Practices: a Discursive Approach to Social Policy Analysis"; Watt & Jacobs, *ibid*.

متن بسیار مفید است و کار با داده‌های پیکره را در قالب یک پروژه ساده می‌کند.^{۶۲} توصیه می‌شود که، پس از نسخه‌برداری و پیش از آغاز تحلیل، داده‌های پیکره با دقت و با نگاهی عمیق مطالعه شوند و با یادداشت‌گذاری و ثبت ایده‌ها و اطلاعات مکمل درباره داده‌ها، اشراف بیشتری بر پیکره ایجاد شود. بدین ترتیب می‌توان لایه‌های کم‌ترپیدای متن را شناسایی کرد و احتمالاً در تحلیل از آن‌ها بهره جست.

ت. تحلیل: چنان‌که گفته شد، تحلیل انتقادی گفتمان بنابر مدل فرکلاف شامل سه سطح کنش گفتمانی، متن، و کنش اجتماعی می‌شود. تحلیل را می‌توان با هریک از این سطوح آغاز کرد؛ چراکه ترتیب تحلیل به اهداف و مسائل پژوهش بستگی دارد. اما چنان‌که خود فرکلاف نیز اشاره کرده است، تحلیل کنش گفتمانی، متن، و سپس کنش اجتماعی می‌تواند به فهم دقیق‌تر رابطه میان گفتمان و تحولات اجتماعی کمک کند.^{۶۳} با وجود این باید در نظر داشت که فرایند تحلیل انتقادی گفتمان فرایندی خطی نیست که از نقطه‌ای آغاز و به نقطه‌ای دیگر ختم شود، بلکه تحلیل هریک از سطوح سه‌گانه ناگزیر با یکدیگر هم‌پوشانی و رابطه‌ای رفت‌وبرگشتی دارند.

۱.۲.۴. تفسیر کنش گفتمانی

تفسیر کنش گفتمانی بر فرایندها و شیوه تولید، توزیع، و مصرف متن تمرکز دارد. بدین منظور پژوهشگر باید از طریق تحلیل ویژگی‌های میان‌گفتمانی، میان‌متنی، و انسجام متن به دلالت‌های معناداری در روابط اجتماعی همچون مناسبات قدرت و تحولات فرهنگی و اجتماعی میان مشارکت‌کنندگان دست یابد. مهم‌ترین گام در تفسیر کنش گفتمانی شناسایی گفتمان‌های به‌کاررفته در متن است. شناسایی گفتمان‌ها از طریق رفت‌وبرگشت میان پرسش پژوهش و جستارمیه‌های درون متن ممکن می‌شود. تحلیلگر برای شناسایی گفتمان‌های موجود در متن باید، با توجه به پرسش و مسئله پژوهش،

در فرایند تحلیل دائماً می‌تواند در پاسخ به سؤالات برآمده در تحلیل غنی‌تر شود. به‌طور مثال جیکوبز^{۵۷} در پژوهش خود برای انتخاب متون پیکره، با بازیگران کلیدی مصاحبه‌هایی انجام داده و حجم زیادی از اسناد طرح را مطالعه کرده است. او داده‌ها را بنابر موقعیت سوژگی بازیگران کلیدی و اثرات استراتژیک اسناد در زمینه سیاسی و اقتصادی طرح انتخاب کرده است. داده‌های مکمل با فراهم آوردن اطلاعات بیشتر درباره زمینه و روابط اجتماعی فراگیر رخداد گفتمانی، جنبه‌های ناپیدای متن و کنش گفتمانی را آشکارتر می‌کنند. انتخاب مواد تحلیل به عوامل بسیاری وابسته است. سؤال پژوهش، اطلاع پژوهشگر از مواد موجود در دامنه اجتماعی یا نهاد مورد نظر، و امکان و میزان دسترسی به این مواد نمونه‌هایی از این عوامل هستند. افزون بر این موارد آنچه اهمیت بسیار دارد، میزان بازنمایی مواد انتخاب‌شده از تنوع کنش اجتماعی مورد نظر است.^{۵۸}

پ. نسخه‌برداری^{۵۹} و آشنایی با داده‌ها: اگر در میان نمونه‌های گفتمانی پیکره داده‌هایی در قالب گفتاری وجود داشته باشد، ناگزیر باید آن‌ها را به متن نوشتاری تبدیل کرد. پیاده‌سازی متن گفتاری هرچند وقت‌گیر و هزینه‌بر به نظر می‌رسد، اما در واقع گام نخست در آشنایی با داده‌ها و فهم کلیات آن‌ها نیز به حساب می‌آید. نسخه‌برداری افزون بر پیاده‌سازی کلمات به‌صورت نوشتار، اقدامی تفسیری به‌منظور تحلیل نیز هست.^{۶۰} شیوه‌های نسخه‌برداری متفاوتی هستند که هریک جنبه خاصی از گفتار را با میزان خاصی از جزئیات (لحن، وقفه‌ها، حالات کلام، خنده، و...) بازگو می‌کنند.^{۶۱} شیوه بهینه و کوتاه نسخه‌برداری که برای عمده پژوهش‌های تحلیل انتقادی گفتمان مناسب است، تنها شامل ثبت هم‌پوشانی حرف‌های صحبت‌کنندگان، وقفه‌ها، و سکوت‌ها روی متن می‌شود. در اینجا استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل داده‌های کیفی همچون MAXQDA که هماهنگی خوبی نیز با زبان فارسی دارند در نسخه‌برداری و هماهنگ‌سازی داده‌های صوتی و تصویری با

57. Jacobs, "Waterfront Redevelopment: a Critical Discourse Analysis of the Policy-making Process within the Chatham Maritime Project", p. 818.

58. Jorgensen & Phillips, *ibid*, pp. 78-80.

59. Transcription

60. Braun & Clarke, *ibid*, pp. 87-88.

۶۱ نک:

J.C. Lapadat & A.C. Lindsay, "Transcription in Research and Practice: From Standardization of Technique to Interpretive Positionings".

۶۲ نک:

S. Rädiker & U. Kuckartz, *Focused Analysis of Qualitative Interviews with MAXQDA*.

63. Fairclough, *Discourse and Social Change*, p. 231.

متن نامه کسبه بازار یزد در ژانر «اعتراض نامه یا طومار» قرار می‌گیرد. این ژانر در بسیاری از وضعیت‌های مشابه، که

به نام خدا

جناب آقای _____ استاندار محترم یزد

با سلام، احتراماً امضاکنندگان ذیل نامه — کسبه خیابان قیام و بازار یزد — بنا به دلایل ذیل اعلام عدم رضایت از کف‌سازی و انسداد این خیابان را به استحضار می‌رسانیم.

۱. اجرای این طرح، نیازمند پیاده‌سازی الزامات اولیه زیرساختی از جمله احداث چند پارکینگ و جایگزینی چند مسیر جهت انتقال بار ترافیکی سنگین این خیابان می‌باشد که این مهم رعایت نشده است.

۲. وجود طرح‌های نیمه‌تمام در همین منطقه از جمله جداره‌سازی ناقص و پراکنده خیابان قیام و طولانی شدن مدت کف‌سازی محوطه کوچک میدان امیر چخماق نشانه‌ای از عدم توانایی شهرداری در انجام این پروژه‌های کوچک بوده و بالطبع نتیجه پروژه به این بزرگی که از پیش معلوم می‌باشد.

۳. انتخاب نادرست و به‌کارگیری پیمانکاران ضعیف، اجرای بدون کارشناسی و شکست خورده طرح‌های دیگر شهرداری یزد از جمله احداث زیرگذرهای مهدیه، ابوذر، و... و نبود بودجه و بدهی بالای شهرداری یزد و... از جمله عوامل عدم اعتماد ساکنان و کسبه شهر در مورد آینده این خیابان اصلی شهر شده است.

۴. تجربه مشکلات ترددی عدیده در انسداد این خیابان در ایام نوروز سال‌های قبل که برای گردشگران داخلی و خارجی به‌وجود آمد و منجر به تغییر رویه بستن این خیابان شد حکایت از عدم نگاه تجربه‌گرایانه شهرداری یزد حتی در نزدیکی به ایام عید نوروز امسال دارد.

۵. انسداد این خیابان توأم با رکود اقتصادی حاکم بر بازار، مشکلات مالی از جمله کاهش مضاعف رونق اقتصادی را برای قلب بازار یزد ایجاد خواهد کرد که این خسارات علاوه بر ایجاد افزایش مسائل سیاسی گریبان‌گیر دولت و دل‌شادی دشمنان اسلام در مسائل اقتصادی از جمله در عوارض کسب و پیشه، مالیات، و... تأثیرگذار خواهد بود.

لذا مستدعی است از اجرای این طرح ممانعت به عمل آورده و در صورت عدم فرمان‌بری مجموعه شورای شهر و شهرداری با این درخواست، با صدور مجوز جهت برگزاری اجتماع اعتراضی در مقابل شهرداری موافقت فرمایید تا با تبری از هرگونه اقدام علیه نظام و سیاست‌بازی‌های مرسوم و در راستای اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی و در ظل فرامین مقام معظم رهبری مراتب اعتراض خود را به گوش دست‌اندرکاران برسانیم. بدیهی است در صورت تداوم این روند با تعطیلی بازار از طریق مراجع قضایی پیگیری حقوق حقه خود خواهیم بود و شخص جناب‌عالی مسئول مستقیم این جریان خواهید بود. عمر عزتتان مستدام

رونوشت:

۱. دفتر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته)، ۲. دفتر ریاست محترم جمهور جناب حجت الاسلام والمسلمین روحانی (دامت برکاته)، ۳. دفتر امام جمعه محترم و نماینده ولی فقیه در استان، حضرت آیت‌الله ناصر (دامت برکاته)، ۴. دفتر امام جمعه محترم و نماینده ولی فقیه در حومه شرق یزد، حضرت آیت‌الله مدرس (دامت برکاته)، ۵. جناب آقای حبیبی مدیر کل دادگستری استان، ۶. سازمان بازرسی کل کشور جهت استحضار و پیگیری چگونگی مزایده واگذاری پروژه، ۷. وزارت محترم اطلاعات، ۸. اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۹. سازمان بازرسی وزارت کشور.

شیوه‌های بازنمایی مفاهیم را در قالب گفتمان‌ها تشخیص دهد و هر گفتمان را بنابر حوزه دانشی و شیوه ساخت یافتن معانی در آن نام‌گذاری کند.

تحلیل ویژگی‌های میان‌گفتمانی متن ناظر بر چگونگی تولید متن است. در نظر فرکلاف ترکیب گفتمان‌ها و ژانرها در یک صورت‌بندی و بیان خلاقانه^{۶۴} هم نشانه‌ای از و هم نیرویی در جهت تحول و دگرگونی اجتماعی و فرهنگی است. در مقابل اما در آمیختگی و ترکیب گونه‌های گفتمانی و ژانرهای متعدد در قالبی عرفی^{۶۵}، رایج، و سنتی هم نشانه‌ای از و هم عاملی در جهت حفظ نظم حاکم و روابط موجود اجتماعی و فرهنگی است.^{۶۶} در اینجا تحلیلگر می‌تواند خلاقانه یا عرفی بودن ویژگی‌های میان‌گفتمانی متن را مبنای احتمال تحول یا ثبات نظم حاکم در جامعه قرار دهد.

تحلیل زنجیره‌های میان‌متنی به شیوه توزیع و انتشار متن اختصاص دارد. زنجیره‌های میان‌متنی نشان می‌دهند که یک متن چگونه توزیع و منتشر و با چه تحولاتی در سایر متن‌ها به گونه‌ای دیگر حاضر شده است. بدین ترتیب این زنجیره‌ها را می‌توان به کانال‌هایی تعبیر کرد که تحولات معنایی، ایدئولوژی‌ها، و استفاده‌های استراتژیک از گفتمان را تثبیت می‌کنند. تحلیل انسجام^{۶۷} متن، که ناظر بر شیوه مصرف متن است، به بررسی دلالت‌های ادراکی و تفسیری متن توسط دریافت‌کنندگان آن اختصاص دارد. در این سطح لازم است تا آنچه از سوی دریافت‌کنندگان واقعاً تفسیر شده مطالعه شود.

– تفسیر کنش گفتمانی در نمونه موردی: متن منتخب برای عرضه نمونه‌ای از تحلیل انتقادی گفتمان متن طومار اعتراضی بازاریان یزد نسبت به اجرای «طرح سامان‌دهی خیابان قیام» در این شهر است که در سال ۱۳۹۵ خطاب به استاندار و سایر مسئولان استان نوشته شد. این طومار زمانی انتشار یافت که شهرداری برخلاف پیشنهاد مشاور طرح که با هماهنگی کسبه خیابان تهیه شده بود، اقدام به اجرا با طرحی متفاوت کرد.^{۶۸}

اعمال اتوریتته اجباری از سوی بازاربان در متن طومار را تشخیص داد؛ چراکه ایشان درخواست‌های خود را با تهدید به‌کارگیری زور (استفاده از بدن برای اعمال قدرت) طرح کرده‌اند.

با تعمق در متن طومار می‌توان به‌کارگیری سه گفتمان «مطالبه‌گری»، «منفعت مالی»، و «شهرسازی سخت‌افزاری» را شناسایی کرد. گفتمان مطالبه‌گری به گفتمانی اشاره دارد که در آن شهروندان و گروه‌هایی که تحت اثر سیاست‌های تصمیم‌سازان قرار دارند، مسئولان را در مورد سیاست‌ها و تصمیم‌ها مورد پرسش قرار می‌دهند. این گفتمان را می‌توان برآمده از «نظم گفتمان کنشگری»^{۶۴} دانست. استفاده از ژانر طومار و همچنین عباراتی مانند «اعلام عدم رضایت از کف‌سازی و انسداد خیابان» و درخواست مجوز تجمع و تهدید به تعطیلی بازار نشان از وجود گفتمان مطالبه‌گری دارد. منفعت عمومی در این گفتمان تا حد زیادی بازتاب‌دهنده منافع ذهنی یا خواسته‌های عموم به نمایندگی از آن‌ها است. با این همه در بسیاری موارد، به‌دلیل پیشتازی متخصصان در فعالیت‌ها و غلبه اتوریتته خبرگان (فعالان شهری) در کنش‌های گفتمانی آن، منفعت عمومی در چارچوبی عینی (مصلحت عمومی) نیز صورت‌بندی می‌شود. ویژگی برجسته این گفتمان در ارتباط با منفعت عمومی در گستردگی نسبی تعریف عموم است.

گفتمان دیگری که در متن قابل شناسایی است، گفتمان منفعت مالی حاکم بر خواسته‌ها و ریشه‌های اعتراض است. مضامین اصلی این گفتمان حداکثرسازی سود اقتصادی در تعاملات اجتماعی، سرمایه‌داری مستغلاتی، منتهی شدن طرح‌های شهری به منفعت مالی بیشتر یا دست‌کم عدم اضرار به چنین منفعتی در کوتاه‌مدت و درازمدت است. گفتمان منفعت مالی را می‌توان متعلق به «نظم گفتمان تجارت» دانست؛ نظم گفتمانی که در آن ژانرها و گونه‌های گفتمانی در نهاد یا میدان اجتماعی کسب‌وکار، تجارت، و بازار پیکربندی شده‌اند. آنچه در

افراد زیادی برای رساندن صدای اعتراض یا درخواست خود کانال رسمی و قانونی یا مؤثری ندارند یا راه‌های موجود را زمان‌بر و پرهزینه می‌دانند، به کار می‌رود. طومار را می‌توان نسبتاً به‌سرعت تهیه و با جمع‌آوری امضا به شیوه‌ای مؤثر در کنش گفتمانی بدل کرد. این ژانر به بهترین و صریح‌ترین صورت ممکن می‌تواند محتوای خواست عمومی را بیان و منتشر کند. طومار را می‌توان اتفاق‌نظر جمع زیادی از عاملیت‌ها بر سر یک موضوع تفسیر کرد؛ اتفاق‌نظری که، از یک سو، کوشش می‌شود در یک کشمکش هژمونیک، برداشت حاصله‌اش از طرح سامان‌دهی مسلط گردد و از سوی دیگر، تلاش می‌گردد این اتفاق‌نظر همچون نیرویی منافع اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی امضاکنندگان را تأمین کند.

سبک متن نگاشته‌شده از نظر روال^{۶۵} به شیوه رسمی و اصطلاحاً کتابی است که به اعتراض و اعتراض‌کنندگان و به‌طورکلی تولیدکنندگان متن جایگاهی رسمی می‌دهد. استفاده از روال رسمی در نگارش متن طومار نشان می‌دهد که نگارندگان کوشیده‌اند جایگاه رسمی و متشکل خود را به مجریان طرح گوشزد کنند. از سوی دیگر، سبک طومار اشاره‌شده، به لحاظ شیوه^{۶۶}، در قالب نوشته اعتراضی قرار گرفته است. بهره‌گیری از شیوه نوشتاری نشان از تأکید نگارندگان بر ثبت شدن و رسمی بودن و قابلیت استناد به آن دارد. از دیگر سو، آنچه نوشته شده قابلیت نشر و توزیع بیشتری دارد. سبک متن مذکور به لحاظ شیوه بلاغی^{۶۷} مرکب از وجوه «استدلالی- فنی»، «اعتراضی»، و تا حدی «تهدیدآمیز» است. انتهای متن طومار مایه‌هایی از تهدید را نیز متوجه مخاطبان می‌کند. تولیدکنندگان متن با عبارتی چون

... در صورت تداوم این روند با تعطیلی بازار از طریق مراجع قضایی پیگیر حقوق حقه خود خواهیم بود و شخص جناب‌عالی مسئول مستقیم این جریان خواهید بود

تهدیداتی ضمنی را متوجه استاندار کرده‌اند. می‌توان به‌روشنی

64. creative articulation

65. conventional

66. Ibid, p. 124; Idem, *Media Discourse*, p. 56.

67. coherence

۶۸. پس از ماه‌ها کشمکش میان شهرداری، شورای شهر، استانداری، و بازاربان، طرح پیاده‌مدار کردن خیابان قیام تنها به تعویض آسفالت خیابان با سنگ‌فرش محدود شد. درنهایت پیشنهاد مشاور و مقصود شهرداری هیچ‌کدام محقق نشد. بازاربان توانستند با اعتراضات خود اقدام شهرداری را متوقف و جهت آن را تغییر دهند. این طومار تنها بخش کوچکی از یک رخداد طولانی و گسترده است.

69. tenor

70. mode

71. rhetorical mode

۷۲. همچنین اکتیویسم شهری

۲.۲.۴. توصیف متن

در این مرحله فرکلاف ابزارهایی را برای تحلیل موشکافانه ویژگی‌های زبانی متن عرضه کرده است. پژوهشگر با استفاده از این تحلیل‌ها می‌تواند نشان دهد که گفتمان‌ها چگونه در سطح متن فعال شده و معانی خاصی را پشتیبانی و روابط اجتماعی ویژه‌ای را تحکیم یا تضعیف کرده‌اند. با تحلیل ویژگی‌های زبانی و دستوری متن‌ها می‌توان به توصیفی از متن دست یافت که به دلالت‌هایی در روابط اجتماعی منتهی می‌شود. برخی از این ابزارها چنین هستند: بررسی کنترل میان‌کنشی^{۷۳} (تحلیل رابطه میان گویندگان، مثلاً اینکه چه کسی برنامه نشست گفتگو را تعیین می‌کند)، استعاره‌ها (مقایسه کاربرد استعاره در گفتمان با کاربرد آن در جاهای دیگر با همان معنا و شناسایی عوامل فرهنگی-ایدئولوژیک انتخاب استعاره)، واژه‌پردازی و لحن کلام^{۷۴} (مقایسه شیوه‌ای که معنا در متن‌ها عبارت‌بندی شده و شناسایی نگاه تفسیری‌ای که در این لحن و عبارت‌بندی نهفته است)، و ویژگی‌های دستور زبان. مطالعه کنترل‌های میان‌کنشی در متن، که به قواعد نوبت‌گیری در سخن گفتن، حقوق و تکالیف مشارکت‌کنندگان، تنظیم دستورکار، و مدیریت موضوع بحث می‌پردازد، روابط قدرت حاکم بر رخداد گفتمانی را در بستر اجتماعی آن آشکار می‌کند. همچنین پیوستگی و نحوه اتصال گزاره‌ها و جملات متن وجه بلاغی و ساختاری آن را به‌عنوان شیوه‌ای استدلالی یا روایی و... توصیف می‌کند. ویژگی‌های دستوری متن به عملکردهای مفهومی، متنی و میان‌فردی، زبان اشاره دارد. به‌طور مثال شیوه به کار گرفتن وجه متعدی (گذرایی متن) نشان می‌دهد که چه کنش‌ها و یا مشارکت‌کنندگان خاصی در متن برجسته و کدام کنش‌ها و عاملیت‌ها به حاشیه رانده شده‌اند. هرچه تحلیلگر در سطح توصیف متن به ابزارهای تحلیل زبانی مجهزتر و بر آن‌ها مسلط‌تر باشد، تحلیلی عمیق‌تر و نتایجی معتبرتر عرضه خواهد کرد. از این رو ضروری است که برای دستیابی به

این گفتمان برجسته می‌نماید غلبه برداشت فایده‌باور بر منفعت عمومی است. امضاکنندگان در متن تأکید کرده‌اند که اجرای طرح سامان‌دهی خیابان قیام در تضاد با منافع اقتصادی آن‌ها است و «انسداد این خیابان... مشکلات مالی از جمله کاهش مضاعف رونق اقتصادی را برای قلب بازار یزد ایجاد خواهد کرد».

گفتمان شهرسازی سخت‌افزاری به حوزه‌ای از دانش و حرفه برنامه‌ریزی شهری اشاره دارد که جنبه‌های کمی، امور عمرانی، و ساخت‌وساز بر ابعاد انسانی و کیفی آن غلبه دارد. در این گفتمان طرح‌های جامع و تفصیلی، اجرای پروژه‌های عمرانی و ساخت‌وسازهای مستمر در شهر، و سهولت تردد خودرو و ترافیک روان سواره از مضامین غالب هستند. در گفتمان شهرسازی سخت‌افزاری به طرح‌ها و برنامه‌های شهری همچون پروژه‌های عمرانی نگریده می‌شود و به همین ترتیب پروژه‌های عمرانی را چونان واحدهای تأمین‌کننده منافع عمومی معرفی می‌کند. این گفتمان تأمین منفعت عمومی را در نبود معارض، مخالف، و معترض نسبت به طرح‌های شهری می‌داند و بر منفعت مالی تأکید دارد. گزاره‌هایی چون «احداث پارکینگ... و جانشینی مسیر برای... بار ترافیکی سنگین»، «جدارسازی ناقص و پراکنده»، «کف‌سازی... میدان امیر چخماق»، و «احداث زیرگذرهای مهدیه، ابوذر، و...» به‌روشنی بازنمای گفتمان «شهرسازی سخت‌افزاری» است. این گفتمان را می‌توان در نظم گفتمان شهرداری (عمران شهری) جای داد. زنجیره‌های میان‌متنی‌ای که این طومار به‌واسطه ارسال رونوشت‌ها وارد آن شده، بسیار بااهمیت است. بازاریان توانسته‌اند از طریق رونوشت زدن (ایجاد زنجیره میان‌متنی، اطلاع‌رسانی به مقامات، گسترده کردن دایره مخاطبان، و مسئله‌وار کردن موضوع) به شیوه‌ای استراتژیک از گفتمان بهره‌گیری کنند. به‌ویژه که در رونوشت به سازمان بازرسی، به طور خاص، بر شیوه و اگذاری طرح تأکید کرده‌اند.

کلمهٔ ارتباط‌دهندهٔ «لذا» به‌روشنی بیانگر آن است که از نظر بازاریان اعتراض آن‌ها منطقی، بدیهی، و به‌حق است. چنین توصیفی از پیوستگی می‌تواند این فرض ایدئولوژیک را بنا گذارد که عقل سلیم^{۷۵} در تأمین خواسته‌های بازاریان در طرح سامان‌دهی خیابان قیام است. بر اساس این فرض ایدئولوژیک، در طرح‌های شهری رضایت افراد و گروه‌هایی که مستقیماً با طرح رابطه دارند برای توجیه و اجرای طرح کفایت می‌کند. این فرضیهٔ ایدئولوژیک که در مقام «استدلال منطقی» به کار گرفته می‌شود، جایگاه محکمی در گفتمان شهرسازی سخت‌افزاری و نظم‌گفتمان شهرداری دارد.

قیدمندی^{۷۶} بر وابستگی و نسبت‌گوبنده با آنچه گفته است تأکید دارد. عبارت

اجرای این طرح، نیازمند پیاده‌سازی الزامات اولیه زیرساختی از جمله احداث چند پارکینگ و جایگزینی چند مسیر جهت انتقال بار ترافیکی سنگین این خیابان می‌باشد که این مهم رعایت نشده است.

وجه بیان حقیقت دارد. نگارندگان در این عبارت اجرای طرح را نیازمند زیرساخت‌هایی مانند پارکینگ و مسیر جایگزین «اعلام می‌کنند» و آن را قطعی و واقعی می‌دانند. همهٔ موارد طرح‌شده در طومار از همین وجه بهره گرفته‌اند و به وجه عینی بیان شده‌اند و نه ذهنی. نشانه‌ای از کاربرد «به نظر ما» یا عبارت‌هایی مشابه دیده نمی‌شود.

۳.۲.۴. تبیین کنش اجتماعی

در سطح کلان تحلیل پژوهشگر به تبیین کنش اجتماعی می‌پردازد که کنش‌گفتمانی بخشی از آن به حساب می‌آید. به کلام دیگر او تلاش می‌کند تا فرایند تولید، توزیع، و مصرف متن را، که کلیت کنش‌گفتمانی را می‌سازد، در بستر فراگیر کنش اجتماعی آن ببیند و تبیینی انتقادی از آن عرضه کند. به این منظور باید با بیان ماهیت کنش اجتماعی توضیح دهد که

یافته‌های قابل‌انکا، به‌ویژه در سطح توصیف متن، پژوهشگران حوزه برنامه‌ریزی شهری هم‌آشنایی و تسلط خود را به این فنون و ابزارها بیشتر کنند و هم در صورت امکان از خبرگان زبان‌شناسی بهره بگیرند.

– **توصیف متن در نمونهٔ موردی:** در تحلیل ویژگی‌های کنترل میان‌کنشی باید به این نکته توجه داشت که نگارندگان متن (رؤسای برخی اصناف) برای تولید متن این اختیار را داشته‌اند که مشارکت‌کنندگان و افراد مورد نظر خود را برای نوشتن متن و واژه‌پردازی آن انتخاب کنند. این در حالی است که امضاکنندگان تنها می‌توانستند در مورد امضا کردن یا نکردن متن تصمیم بگیرند. بر این اساس مشارکت‌کنندگان جایگاه متقارنی نسبت به هم نداشته‌اند و تعیین موضوع و تدوین متن و ... توسط تعداد محدودی از افراد انجام شده است. جایگاه نویسندگان متن را می‌توان به داشتن اتوریتتهٔ خبرگی (برآمده از اطلاعاتشان از پیچیدگی‌های پیگیری امور صنفی و آگاه بودن به مسائل سیاسی) و اتوریتتهٔ تشویقی (برآمده از امیدوار بودن بازاریان نسبت به نتیجه‌بخش بودن پیگیری مسائل توسط رؤسای اصناف) تفسیر کرد.

از نظر پیوستگی متن، بازاریان با بیان اینکه وجود طرح‌های نیمه‌تمام... نشان‌دهندهٔ عدم توانایی شهرداری در... پروژه‌های کوچک است و بالطبع نمی‌تواند طرحی به این بزرگی را نیز اجرا کند،

با استفاده از واژهٔ «بالتبع» قطعیت شکست طرح خیابان قیام را نشان داده‌اند. آن‌ها همچنین پس از بیان اعتراضات خود و در بسط آن اعلام می‌دارند که

لذا مستعدی است از اجرای این طرح ممانعت به عمل آورده و در صورت عدم فرمان‌بری مجموعه شورای شهر و شهرداری با این درخواست، با صدور مجوز جهت برگزاری اجتماع اعتراضی در مقابل شهرداری موافقت فرمایید تا... مراتب اعتراض خود را به گوش دست‌اندرکاران برسانیم.

75. common sense

76. modality

در دیگر نظم‌های گفتمان از جمله برنامه‌ریزی شهری در واقع نیرویی است که می‌توان آن را «کالایی شدن» یا بازاری شدن گفتمان تعبیر و تفسیر کرد. ایجاد آمیزه‌ای چنین از گفتمان‌ها در قالب طومار توسط بازاریان نشان می‌دهد که این رخداد ارتباطی نه تنها در جهت تحول در برداشت‌های رایج خواست و منفعت عمومی نبوده، بلکه در واقع تثبیت‌کننده معنای مسلط و حاکم از این مفهوم بوده است. بدین معنا کنش گفتمانی بازاریان را باید تلاش ایدئولوژیک آن‌ها برای حفظ روابط موجود و نظم حاکم دانست. آنچه در آمیزه میان گفتمانی فوق رخ داده است، کوشش بازاریان برای تثبیت معنای مشخصی از خواست و منفعت عمومی برای تحکیم جایگاه و قدرتشان بوده است. از این رو تقابل و کشمکش میان خواسته‌های بازاریان و محتوای طرح سامان‌دهی را باید در چارچوب کشمکش هژمونیک بر سر محتوای منفعت عمومی تفسیر کرد؛ کشمکشی که نشان می‌دهد بازاریان و هم‌نظران آن‌ها در پی تسلط و اعمال قدرت بر سایر گروه‌ها و عاملیت‌های حاضر در فرایند هستند. بدین ترتیب آمیزه گفتمان‌های سود اقتصادی و شهرسازی سخت‌افزاری به بازتولید نظم گفتمان‌های تجارت و شهرداری انجامیده که در نتیجه به حفظ ساختار موجود در کنش‌های اجتماعی منجر شده است. با وجود این گفتمان مطالبه‌گری تا حد زیادی نظم گفتمان سیاسی را تغییر داده و با نوآوری در میدان سیاست شهری، روابط اجتماعی و کنش‌ورزی‌ها را متحول کرده است؛ چراکه اساساً حضور و مطالبه‌گری عموم در میدان سیاست شهری رخدادی رایج و مرسوم نیست و در عرصه غیرمشارکتی اداره امور شهر چنین رخداد ارتباطی‌ای پیش‌بینی‌پذیر نبوده است.

کنش‌های گفتمانی و گفتمان‌ها دارای پیامدهای ایدئولوژیک در جامعه هستند. آنچه در رخداد ارتباطی طومار بازاریان یزد مشاهده می‌شود نشانگر دو روند و گرایش است. از یک سو، آمیزه گفتمان‌های سود اقتصادی و شهرسازی

چرا کنش گفتمانی مورد مطالعه این‌گونه است که هست. این سطح از تحلیل انتقادی گفتمان به شدت بر نظریات سایر رشته‌ها به ویژه جامعه‌شناسی اتکا دارد. آنچه باید در تبیین کنش اجتماعی مطالعه شود، بافت اجتماعی گفتمان است. هدف آن است که مناسبات و ساختارهای اجتماعی و هژمونیک، که بافت این نمونه خاص از کنش اجتماعی و گفتمانی را می‌سازد، شناسایی شود. پژوهشگر می‌کوشد رابطه میان نمونه گفتمانی و اجتماعی مورد مطالعه را با نظم گفتمانی که از آن برآمده بررسی و اثرات بازتولیدی و یا دگرگون‌کننده بر نظم گفتمان را شناسایی کند. به این منظور باید مشخص کرد که نمونه گفتمانی مورد نظر به لحاظ اثرات کلان مقیاس (به ویژه دموکراتیزه شدن، کالایی شدن، و ابزاری شدن گفتمان) چه پیامدهایی بر نظم گفتمان داشته است. بعد دیگری از تحلیل که در تبیین کنش اجتماعی اهمیت دارد، واکاوی اثرات سیاسی و ایدئولوژیک بر گفتمان است. پژوهشگر در اینجا بر اثرات سیاسی-ایدئولوژیک چون نظام‌های دانش و معنا، روابط اجتماعی، و هویت‌های اجتماعی متمرکز می‌شود. تحلیل انتقادی گفتمان در سطح تفسیر کنش گفتمانی و توصیف متن ابعاد بسیاری از رخداد گفتمانی-ارتباطی را آشکار می‌کند، اما نهایتاً در سطح تبیین کنش اجتماعی است که به جمع‌بندی خود می‌رسد. به بیان دیگر رویکرد سه‌سطحی فرکلاف به تحلیل انتقادی گفتمان در بسیاری از مطالعات، که بر تحولات اجتماعی و روابط قدرت رادیکال و گفتمانی متمرکز هستند، در اینجا نتایج خود را آشکار می‌کنند.

- تبیین کنش اجتماعی در نمونه موردی: آمیزه میان گفتمانی گفتمان‌های منفعت مالی و شهرسازی سخت‌افزاری که در طومار بازاریان یزد شناسایی شد را می‌توان نتیجه رنگ باختن مرز میان دو نظم گفتمان تجارت و شهرداری قلمداد کرد.

در اینجا گفتمان‌های سرمایه، کسب‌وکار، و سود اقتصادی با گفتمان‌های ساخت‌وساز، عمران شهری، و برنامه‌ریزی کمی ترکیب شده‌اند. گسترش گفتمان‌های سرمایه‌محور و سوداگرانه

تفصیلی نشان داده شود. به این منظور پس از شرح مبانی نظری روش مذکور و معرفی رویکردهای متعدد و فرایند انجام آن بر اساس چارچوب فرکلاف، نمونه‌ای مختصر از تحلیل انتقادی گفتمان نیز عرضه شده است. با تحلیل انتقادی گفتمان پیش از هر چیز می‌توان جنبه‌های زبانی برنامه‌ریزی و توسعه شهری را تبیین کرد. بدین معنا با استفاده از این روش می‌توان هرگونه استفاده از زبان در فرایندهای توسعه شهری را با نگاهی انتقادی در سطوح گوناگون تحلیل کرد. به‌طور کلی می‌توان مهم‌ترین کاربردهای تحلیل انتقادی گفتمان در برنامه‌ریزی شهری را شامل مواردی دانست که در ادامه می‌آید:

- نخستین مورد تحلیل مناسبات قدرت در شهرها و فرایندهای توسعه شهری است. با استفاده از این روش می‌توان نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های تثبیت‌شده در جامعه را، تا جایی که در زبان منعکس شده باشند، بازشناخت و در جهت اصلاح آن‌ها گام برداشت. - دومین مورد شناسایی ایدئولوژی‌های ساختاربخش در محیط برنامه‌ریزی و تبیین پیامدهای سیاسی و اجتماعی برآمده از آن است. بدین ترتیب استفاده از تحلیل انتقادی گفتمان به محقق این امکان را می‌دهد که نظام‌های معنایی مسلط در فرایند توسعه و معانی در خدمت قدرت را با دیدگاهی انتقادی و در جهت رهایی گروه‌های سرکوب‌شده و به حاشیه رانده‌شده آشکار کند.

- کاربردهای سوم این روش به پژوهشگران عرصه برنامه‌ریزی و مطالعات شهری این امکان را می‌دهد که با شناسایی گفتمان‌های غالب و رقیب بتوانند تحولات یا بازتولیدهای اجتماعی شهر را، که عمدتاً آشکار نیستند و در لایه‌های پنهان در جریانند، آشکار کنند و نشان دهند که چگونه یک ایدئولوژی درونی می‌شود و زمینه را برای شیوه‌هایی خاص از سخن گفتن (گفتمان) فراهم می‌کند و در حالی اقدامات و سیاست‌های خاصی را مشروعیت می‌بخشد و توجیه می‌کند که گزینه‌های دیگر ممکن را تصورناپذیر کرده است. به‌طور مثال،

سخت‌افزاری و به‌تبع آن معنای ایدئولوژیک منفعت عمومی روابط نابرابر قدرت را به نفع گروهی خاص در جامعه پنهان و تثبیت کرده و از سوی دیگر، از طریق گفتمان مطالبه‌گری آن روابط را به چالش کشیده است. بازاریان به‌منزله بخشی از عموم مردم در فرایند اجرای طرح با بازنمایی روابط اجتماعی به شیوه‌ای جدید جایگاه‌های سنتی قدرت را، که عمدتاً برآمده از نهادهای رسمی شهری و کشوری بودند، به چالش کشیده‌اند. این روند در کنش اجتماعی را می‌توان در چارچوب «دموکراتیزه شدن» جامعه فهمید. دموکراتیزه شدن در این رخداد ارتباطی با دسترسی بازاریان به گفتمان معتبر و جایگاه سوژگی قدرتمند و موجه به‌دست آمده است. با این همه دموکراتیزه شدن اجتماعی در طرح سامان‌دهی خیابان قیام سوئی دیگری نیز دارد و آن غیبت سایر عاملیت‌ها در کنش گفتمانی است؛ بدین معنا که بازاریان از این روند به نفع خود بهره گرفته و درواقع صدای گروه‌های دیگر را به حاشیه رانده‌اند.

جدای از اثرات ایدئولوژیک گفتمان، طومار اعتراضی بازاریان یزد یک کنش گفتمانی و نیز اثرگذار بر روابط اجتماعی بوده است. اگر رابطه اعتراض بازاریان و طومار منتشرشده از سوی آن‌ها با سایر کنش‌های اجتماعی در ایران مورد نظر قرار گیرد، می‌توان نتیجه گرفت که اعتراض آن‌ها به طرح سامان‌دهی خیابان قیام درواقع تلاشی برای حفظ و تقویت موقعیت سیاسی و اجتماعی بازار در تصمیم‌سازی‌ها است. امری که در تاریخ شهرهای ایران سابقه‌دار بوده‌اند و بازاریان همچنان از نیروهای مهم و اثرگذار اجتماعی به‌حساب می‌آیند. بر این اساس اعتراض‌نامه آن‌ها را باید در چارچوب تلاش برای حفظ عاملیت تاریخی سیاسی بازار فهمید و تفسیر کرد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این نوشتار کوشش شد تا کاربردهای روش تحلیل انتقادی در مطالعات شهری و برنامه‌ریزی با عرضه نمونه‌ای به‌صورت

اخیر در چندین مطالعه ارزشمند عرصه مطالعات شهری از این روش استفاده شده است، اما مرور این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که انجام مطالعات میان‌رشته‌ای و همکاری با جامعه‌شناسان و زبان‌شناسان انتقادی باید به‌طور گسترده‌تری در دستورکار محققان حوزه شهری قرار گیرد. از این رو لازم است پژوهش‌های بیشتری در مطالعات شهری با بهره‌گیری از این روش به‌منظور شناخت کاربردهای متنوع‌تر و عمیق‌تر تحلیل انتقادی گفتمان و شناسایی نقاط قوت و ضعف آن انجام گیرد.

نمونه تحلیل‌شده در این نوشتار نشان داد که چگونه گروهی از شهروندان (بازاریان) با استفاده از ژانر طومار، از یک سو، اقدام به تثبیت جایگاه اجتماعی و قدرت خود کرده‌اند و از سوی دیگر، کوشیده‌اند برداشتی خاص از منفعت عمومی را در جایگاه معنای مسلط قرار دهند. بازاریان هم‌زمان که از طریق مطالبه‌گری موجب دموکراتیزه شدن گفتمان شده‌اند، به تثبیت نظم حاکم نیز کمک و تا حد زیادی در مقابل تحول اجتماعی و گفتمانی مقاومت کرده‌اند. با اینکه در سال‌های

منابع و مأخذ

- آقاگل‌زاده، فردوس و مریم‌سادات غایبانی. «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، در *زبان و زبان‌شناسی*، ش ۵ (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، ص ۳۹-۵۴.
- خندان، محمد و غلامرضا فدایی و محمدرضا وصفی. «لایه‌های روش‌شناختی منطق استفهامی و کاربرد آن در تحلیل نظام‌های رده‌بندی دانش»، در *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ش ۳ (بهار ۱۳۹۴)، ص ۶۰۳-۶۳۰.
- رفعیان، مجتبی و آیدا کیانفر. «فهم فضاهای خاکستری: جایگاه قدرت در فرایند مناسبات سکونتگاه‌های غیررسمی؛ مورد مطالعه: شهرک رضویه». در *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، ش ۱ (بهار ۱۳۹۸)، ص ۵-۱۶.
- عبدی دانشپور، زهره. *درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
- فوکو، میشل. *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانزاده، تهران: نشر نی، ۱۳۹۷.
- قجری، حسین‌علی و جواد نظری. *کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات* doi:10.1177/1473095219869386.
- Fairclough, Norman. "Critical Discourse Analysis as a Method in Social Scientific Research", in Ruth Wodak & Michael Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: Sage, 2001, pp. 121-138.
- _____. *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*, Taylor & Francis, 2013.
- _____. *Discourse and Social Change*, Cambridge: Polity press, 1992.
- _____. *Media Discourse*, London: Edward Arnold, 1995.
- Fairclough, Norman & Jane Mulderrig & Ruth Wodak. "Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language", in Ruth Wodak & Michael Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: Sage, 2001, pp. 121-138.
- Blommaert, Jan & Chris Bulcaen. "Critical Discourse Analysis", in *Annual Review of Anthropology*, No. 1 (October 2000), pp. 447-466, doi:10.1146/annurev.anthro.29.1.447.
- Braun, Virginia & Victoria Clarke. "Using Thematic Analysis in Psychology", in *Qualitative Research in Psychology*, No. 2 (2006), pp. 77-101, doi:10.1191/1478088706qp0630a.
- Bryman, Alan. *Social Research Methods*, Oxford: Oxford University Press, 2012.
- Davoudi, Simin & Daniel Galland & Dominic Stead. "Reinventing Planning and Planners: Ideological Decontestations and Rhetorical Appeals", in *Planning Theory*, No. 1 (February 2020), pp. 17-37.
- اجتماعی، تهران: جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲.
- لاکلا، ارنستو و دیگران. *تحلیل گفتمان سیاسی؛ امر سیاسی به‌مثابه یک برساخت گفتمانی*، ترجمه امیر رضایی‌پناه و سمیه شوکتی‌مقرب، تهران: انتشارات تیسرا، ۱۳۹۵.
- لوکس، استیون. *قدرت: نگرشی رادیکال*، ترجمه عماد افروغ، تهران: نشر علم، ۱۳۹۳.
- هیلیبر، جین. *سایه‌های قدرت: حکایت دوراندیشی در برنامه‌ریزی کاربری اراضی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: جامعه مهندسان مشاور ایران، ۱۳۸۸.
- هیندس، باری. *گفتارهای قدرت: از هابز تا فوکو*، ترجمه مصطفی یونسی، تهران: پردیس دانش، ۱۳۹۰.
- یادگارزاده، بنفشه و فرشاد نوریان. «تبیین نقش‌های مورد انتظار از سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی ایران مبتنی بر روش تحلیل گفتمان انتقادی»، در *هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، ش ۳ (پاییز ۱۳۹۷)، ص ۴۱-۵۲.

Discourse Analysis", in T. van Dijk (Ed.), *Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction*, Sage, 2011, pp. 357-378.

Hastings, Annette. "Analysing Power Relations in Partnerships: Is There a Role for Discourse Analysis?", in *Urban Studies*, No. 1 (January 1999), pp. 91-106.

———. "Connecting Linguistic Structures and Social Practices: a Discursive Approach to Social Policy Analysis", in *Journal of Social Policy*, No. 2 (April 1998), pp. 191-211.

Healey, Patsy. "Planning through Debate: the Communicative Turn in Planning Theory", in *Town Planning Review*, No. 2 (April 1992), pp. 143-162.

Jacobs, Keith. "Discourse Analysis and its Utility for Urban Policy Research", in *Urban Policy and Research*, No. 1 (March 2006), pp. 39-52, doi:10.1080/08111140600590817.

———. "Waterfront Redevelopment: a Critical Discourse Analysis of the Policy-making Process within the Chatham Maritime Project", in *Urban Studies*, No. 4 (April 2004), pp. 817-832.

Jäger, Siegfried. "Discourse and Knowledge: Theoretical and Methodological Aspects of a Critical Discourse and Dispositive Analysis", in Ruth Wodak & Michael Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis*, SAGE publications, 2001, pp. 32-62.

Jorgensen, Marianne W. & Louise J. Phillips. *Discourse Analysis as Theory and Method*, London: Sage, 2002.

Lapadat, Judith C. & Anne C. Lindsay. "Transcription in Research and Practice: From Standardization of Technique to Interpretive Positionings", in *Qualitative Inquiry*, No. 1 (March 1999), pp. 64-86.

Marston, Greg. "Metaphor, Morality and Myth: a Critical Discourse Analysis of Public Housing Policy in Queensland", in *Critical Social Policy*, No. 3 (August 2000), pp. 349-373.

Meyer, Michael. "Between Theory, Method, and Politics: Positioning of the Approaches to CDA", in Ruth Wodak & Michael Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis*, SAGE publications, 2001, pp. 14-31.

Phillips, Nelson & Cynthia Hardy. *Discourse Analysis: Investigating Processes of Social Construction*, Sage publications, 2002.

Rädiker, Stefan & Udo Kuckartz. *Focused Analysis of Qualitative Interviews with MAXQDA*, Berlin, Germany: MAXQDA Press, 2020.

Sager, Tore. "Populists and Planners: We Are the People, Who Are You?", in *Planning Theory*, No. 1 (February 2020), pp. 80-103, doi:10.1177/1473095219864692.

Tenorio, E.H. "Critical Discourse Analysis, an Overview", in *Nordic Journal of English Studies*, No. 1 (January 2011), pp. 183-210.

Van Dijk, Teun A. "Principles of Critical Discourse Analysis", in *Discourse Society*, No. 2 (April 1993), pp. 249-283.

———. "The Study of Discourse: An Introduction", in Teun A. Van Dijk (Ed.), *Discourse Studies*, Vol. 5, London: Sage, 2007, pp. xix-xiii.

———. *Discourse as Social Interaction*, Vol. 2, Sage, 1997.

Watt, Paul & Kieth Jacobs. "Discourses of Social Exclusion: an Analysis of Bringing Britain together: a National Strategy for Neighbourhood Renewal", in *Housing, Theory and Society*, No. 1 (2000), pp. 14-26.

Wodak, Ruth. "What CDA is about—a summary of Its History, Important Concepts and Its Developments", in Ruth Wodak & Michael Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis*, SAGE Publications, 2001, pp. 1-13.

Wodak, Ruth & Michael Meyer. (Eds.). *Methods of Critical Discourse Analysis*, Sage, 2001.

Zanotto, Juliana M. "The Role of Discourses in Enacting Neoliberal Urbanism: Understanding the Relationship between Ideology and Discourse in Planning", in *Planning Theory*, No. 1 (February 2020), pp. 104-126, doi:10.1177/1473095219898876.